

## دیدگاه امام خمینی (ره) در باره پیروان ادیان

حسین توفیقی

در مورد حقانیت و بطلان ادیان سه دیدگاه معروف وجود دارد:

۱. دیدگاه انبیای الهی (ع) و کتاب‌های آسمانی مبنی بر حقانیت دین خود و بطلان سایر ادیان. این دیدگاه حقانیت سلسله‌ای از ادیان پیشین را برای عصر خودشان می‌پذیرد، همچنین ممکن است برای کسانی که به پیروی از آن ادیان ادامه می‌دهند، امتیازاتی قائل شود، ولی نجات را منحصر به دین خود می‌داند.
  ۲. دیدگاه جمع کثیری از عرفا و صوفیه مبنی بر حقانیت همه ادیان و این که همه آنها راه نجات هستند. جمعی از متفکران عصر ما به این دیدگاه لباسی نو پوشانده و آن را ترویج کرده‌اند. برخی هم با اعتقاد جازم به حقانیت دین خود، حقانیت ادیان دیگر را در محدوده مشترکات آنها با دین خویش پذیرفته‌اند که بهتر است این گرایش را از شاخه‌های دیدگاه نخست بدانیم.
  ۳. دیدگاه ملحدان، شکاکان و دئیست‌ها مبنی بر بطلان همه ادیان به موجب انکار اصل ماورای طبیعت، یا اعتقاد به عدم امکان برقراری ارتباط با آن.
- در این مقاله دیدگاه نخست بررسی می‌شود.

## نجات در ادیان ابراهیمی

یهودیت، مسیحیت و اسلام که «ادیان ابراهیمی» و «ادیان وحیانی» (Revealed Religions) نامیده می‌شوند، یادگار انبیای الهی (ع) و کتاب‌های آسمانی هستند. این ادیان از یک سو، حقانیت خود را به ادیان قبلی مستند می‌کنند و بشارت ظهور خود را در آنها می‌جویند و از سوی دیگر، به خاتمیت خود معتقدند و ادیان بعدی را رد می‌کنند. یهودیت خود را تحقق وعده‌ی خدای متعال به حضرت ابراهیم (ع) می‌داند و مسیحیت با طرح نظریه‌ی «جانشینی» (supersession) خود را وارث آن وعده می‌داند و می‌کوشد بشارت به ظهور حضرت عیسی (ع) و عهد جدید را در عهد عتیق پیدا کند. اسلام نیز به انبیای بنی اسرائیل و کتاب‌های آسمانی پیشین توجه دارد و صریحاً اعلام می‌کند که بشارت ظهور پیامبر عالی قدر اسلام در تورات و انجیل یافت می‌شود.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، یهودیت منکر نسخ است و مسیحیت پس از عهد جدید، منتظر پیمان جدیدتری نیست. خاتمیت اسلام نیز در قرآن مجید<sup>۲</sup> و احادیث فراوان آمده است و همه‌ی مسلمانان آن را از ضروریات اسلام می‌دانند.

پیروان هر یک از این سه دین به نسخ ادیان قبلی و مجعول بودن ادیان بعدی معتقدند و بر این اساس، نجات را به خود اختصاص می‌دهند.

یهودیت به عنوان یک دین قومی، تبلیغ ندارد و بیشتر یهودیان برای صهیونیسم تبلیغ می‌کنند، نه یهودیت. از سوی دیگر، مسیحیت و اسلام تبلیغ دارند. تبلیغ مسیحی «تبشیر» و تبلیغ اسلامی «دعوت» نامیده می‌شود.

## دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)

امام راحل در موردی از بحث مکاسب محرمه، به حقایق مهمی در باره‌ی پیروان ادیان دیگر اشاره می‌کند که نشان‌دهنده‌ی عمق اندیشه‌ی آن یگانه‌ی دوران است. وی در بحث خویش، پیروان ادیان را به عوام و غیر عوام تقسیم می‌کند و می‌گوید:

اما عوام آنان، پس ظاهر است که خلاف مذاهبی که دارند، به ذهنشان خطوط

نمی‌کند، بلکه آنان، مانند عوام مسلمانان، به صحت مذهب خویش و بطلان سایر مذاهب قطع دارند. پس همان طور که عوام ما، به سبب تلقین و نشو و نما در محیط اسلام، به صحت مذهب خویش و بطلان سایر مذاهب علم دارند، بدون این که خلاف آن به ذهنشان خطور کند، عوام آنان نیز چنین هستند و این دو گروه از این جهت تفاوتی ندارند. و قاطع در پیروی از قطع خود معذور است و نافرمان و گناهکار نیست و نمی‌توان او را به موجب این پیروی عقاب کرد.<sup>۱</sup>

از دیدگاه امام، غیر عوام آنان نیز از نظر تلقین‌پذیری و جازم شدن به مذاهب باطل خویش با عوام فرقی ندارند، ولی ایشان معذور نیستند؛ شاید به موجب این که تکلیف عالم سنگین‌تر است و به بیان شیوای حضرت امام جعفر صادق (ع)، «هفتاد گناه از جاهل بخشیده می‌شود پیش از این که از عالم، یک گناه بخشیده شود».<sup>۲</sup> وی در باره پیروان غیر عامی ادیان دیگر می‌گوید:

اما غیر عوام آنان، غالباً به واسطه تلقیناتی که از آغاز کودکی و نشو و نمایان در محیط کفر وجود داشته است، به مذاهب باطل خویش جازم و معتقد شده‌اند، به گونه‌ای که هرگاه چیز مخالفی به آنان برسد، آن را با عقول خویش که از آغاز نشو و نما بر خلاف حق پرورش یافته است، رد می‌کند. پس عالم یهودی یا مسیحی، مانند عالم مسلمان، ادله دیگران را صحیح نمی‌داند و بطلان آن ادله برای وی مانند ضروری شده است؛ زیرا مذهب او نزد خودش ضروری است و خلاف آن را احتمال نمی‌دهد.<sup>۳</sup>

ولی در عین حال، نباید از عناد و تعصب برخی از پیروان ادیان باطل غافل بمانیم.

۱. أما عوامهم فظاهر، لعدم انقراح خلاف ما هم علیه من المذاهب في أذهانهم بل هم قاطعون بصحة مذهبهم و بطلان سایر المذاهب نظیر عوام المسلمین. فکما أن عوامنا عالمون بصحة مذهبهم و بطلان سایر المذاهب من غیر انقراح خلاف في أذهانهم لأجل التلقين و النشو في محیط الإسلام، كذلك عوامهم من غیر فرق بينهما من هذه الجهة. و القاطع معذور في متابعتة و لا يكون عاصياً و أثماً و لا نصح عقوبته في متابعتة. (المکاسب المحرمة، قم: المطبعة العلمية، ۱۳۸۱ق، ص ۱۳۳).

۲. «یغفر للجاهل سبعون ذنباً قبل أن یغفر للعالم ذنب واحد.» (أصول الکافی، ج ۱، ص ۴۷).

۳. و أما غیر عوامهم فالغالب فيهم أنه بواسطة التلقينات من أول الطفولية و النشو في محیط الکفر صاروا جازمین و معتقدین بمذاهبهم الباطلة بحيث کل ما ورد علی خلافها ردوها بعقولهم المجبولة علی خلاف الحق من بدو نشوهم. فالعالم اليهودي و النصراني، كالعالم المسلم، لا يرى حجة الغير صحيحة و صار بطلانها كالضروري له، لكون صحة مذهبه ضرورية لديه لا یحتمل خلافه. (المکاسب المحرمة، ص ۱۳۳).

آری، در میان آنان کسی مقصر است که خلاف مذهب خود را احتمال بدهد و از روی عناد یا تعصب، ادله آن را بررسی نکند، همان طور که در آغاز اسلام، کسانی در میان علمای یهودی و مسیحی چنین بودند.<sup>۱</sup>

حضرت امام در پایان، دیدگاه خود را چنین جمع‌بندی می‌کند:

خلاصه این که کفار، مانند جهال مسلمانان، برخی قاصرند و آنان اکثریت دارند و برخی مقصر. و تکالیف، از اصول و فروع، بین همه مکلفان از عالم و جاهل، قاصر و مقصر، مشترک است و کفار به سبب اصول و فروع عقاب می‌شوند، ولی با اقامه دلیل بر ضد آنان و نه به طور مطلق. پس همان طور که عقاب مسلمانان به سبب فروع به معنای این نیست که آنان خواه قاصر باشند و خواه مقصر، عقاب می‌شوند، کفار نیز به حکم عقل و اصول مذهب عدل دقیقاً چنین وضعی دارند.<sup>۲</sup>

اگر بتوانیم بگوییم که تغییر یافتن عبارت آغازین رساله توضیح المسائل یعنی «عقیده مسلمان به اصول دین باید از روی دلیل باشد» در برخی از چاپهای رساله امام به عبارت «مسلمان باید به اصول دین یقین داشته باشد» به مقتضای این دیدگاه بوده است، ولی در هر صورت باید به این واقعیت توجه داشتیم که آن حضرت بسیار دقت می‌کرد سایر نظریات علمی خود را به فقه سرایت ندهد و به همین دلیل، در هیچ یک از آن احکام فقهی وی که ممکن بود تحت تأثیر دیدگاه فوق قرار گیرد، مانند مسأله طهارت غیرمسلمان و احکام اهل ذمه، عدولی از اقوال مشهور دیده نمی‌شود.

### نقش مهم تقلید

در تأیید دیدگاه حضرت امام (ره)، سخنی از امام محمد غزالی و سخنانی از علامه شهید

۱. نعم فیهم من یكون مقصراً لو احتمل خلاف مذهبه و ترک النظر الی حجتہ عناداً أو تعصّباً كما كان في بدو الإسلام في علماء اليهود والنصارى من كان كذلك. (همان، ص ۱۳۴).

۲. وبالجملة إن الكفار، كجهال المسلمين، منهم قاصر و هم الغالب و منهم مقصر، و التكاليف أصولاً و فروعاً مشتركة بين جميع المكلفين عالمهم و جاهلهم، قاصرهم و مقصرهم، و الكفار معاقبون على الأصول و الفروع، لكن مع قيام الحجة عليهم لا مطلقاً. فكما أن كون المسلمين معاقبين على الفروع ليس معناه أنهم معاقبون عليها سواء كانوا قاصرين أم مقصرين، كذلك الكفار طابق النعل بالنعل بحكم العقل و أصول العدالة. (المكاسب المحرمة، ص ۱۳۴).

مرتضی مطهری(ره) را می‌آوریم. غزالی می‌گوید:

بیشتر مردم در کودکی ایمان آورده‌اند و سبب تصدیقشان تنها تقلید از پدران و معلمان خویش بوده است؛ زیرا به آنان حسن ظن داشته‌اند و خود آنان هم از خودشان بسیار ستایش کرده و دیگران نیز آنان را ستوده‌اند و از مخالفانشان بسیار بدگویی کرده و در بارهٔ انواع بلاهایی که بر کسانی که اعتقادی جز اعتقاد آنان داشته‌اند، داستان‌هایی گفته‌اند که فلان یهودی در قبرش به شکل سگ مسخ شد و فلان رافضی به شکل خوک در آمد و داستان خواب‌هایی را نقل کرده‌اند. چیزهایی از این قبیل، تنفر از آنها و گرایش به ضد آنها را در نفوس کودکان غرس می‌کند به گونه‌ای که شک به طور کلی از قلوب آنان برکنده می‌شود؛ زیرا آموزش در کودکی مانند نقش روی سنگ است. سپس بر این اعتقادات نشو و نما پیدا می‌کنند و آن را در نفس خود استوار می‌سازند و پس از بلوغ، بر اعتقاد جازم و تصدیق محکم خویش که شکی به آن راه ندارد، باقی می‌مانند. از این رو، دیده می‌شود که فرزندان مسیحیان و رافضیان و زردشتیان و مسلمانان همگی جز بر عقاید پدرانشان و اعتقادات باطل یا حق آنان به بلوغ نمی‌رسند و به گونه‌ای به آن عقاید قطع دارند که اگر ایشان را قطعه‌قطعه کنند، از آن عقاید دست برنمی‌دارند در حالی که برای آنها دلیلی واقعی یا ظاهری ندارند. همچنین دیده می‌شود که غلامان و کتیزان مشرک در حالی اسیر می‌شوند که اسلام را نمی‌شناسند. پس هنگامی که اسیر مسلمانان شدند و مدتی با آنان زندگی کردند و در خود میل به اسلام را یافتند، مثل آنان می‌شوند و عقیدهٔ آنان را می‌پذیرند و به اخلاق آنان متخلق می‌شوند. همهٔ اینها فقط به سبب تقلید و سرمشق قراردادن است که در پیروان یافت می‌شود. و طبایع، مخصوصاً طبایع کودکان و جوانان، بر سرمشق قراردادن سرشته شده‌اند. پس از اینجا معلوم می‌شود که تصدیق جازم بر بحث و ترتیب دادن ادله توقف ندارد.<sup>۱</sup>

۱. و أكثر الناس آمنوا في الصبا وكان سبب تصديقهم مجرد التقليد للآباء والمعلمين لحسن ظنهم بهم وكثرة نائهم على أنفسهم وثناء غيرهم عليهم وتشديدهم التكبير بين أئديهم على مخالفهم وحكايات أنواع النكال النازل بمن لا يعتقدهم

شهید مطهری (ره) نیز در فصل نهم کتاب عدل الهی تحت عنوان «عمل خیر از غیر مسلمان» در بحث پرمخاطره‌ای می‌گوید:

ما معمولاً وقتی می‌گوییم فلان کس مسلمان است یا مسلمان نیست، نظر به واقعیت مطلب نداریم. از نظر جغرافیایی، کسانی را که در یک منطقه زندگی می‌کنند و به حکم تقلید و وراثت از پدران و مادران مسلمانند، مسلمان می‌نامیم و کسانی دیگر را که در شرایط دیگر زیسته‌اند و به حکم تقلید از پدران و مادران وابسته به دینی دیگر هستند یا اصلاً بی‌دینند، غیر مسلمان می‌نامیم.

باید دانست این جهت ارزش زیادی ندارد، نه در جنبه مسلمان بودن و نه در جنبه نامسلمان بودن و کافر بودن. بسیاری از ماها مسلمان تقلیدی و جغرافیایی هستیم، به این دلیل مسلمان هستیم که پدر و مادرمان مسلمان بوده‌اند و در منطقه‌ای به دنیا آمده و بزرگ شده‌ایم که مردم آن مسلمان بوده‌اند. آنچه از نظر واقع، با ارزش است، اسلام واقعی است و آن این است که شخص قلباً در مقابل حقیقت تسلیم باشد، در دل را به روی حقیقت گشوده باشد تا آنچه را که حق است، بپذیرد و عمل کند و اسلامی که پذیرفته است، بر اساس تحقیق و کاوش از یک طرف و تسلیم و بی‌تعصبی از طرف دیگر باشد.

اگر کسی دارای صفت تسلیم باشد و به عللی اسلام بر او مکتوم مانده باشد و او در این باره بی‌تقصیر باشد، هرگز خداوند او را معذب نمی‌سازد، او اهل نجات از دوزخ است....<sup>۱</sup>

→ اعتقادهم و قولهم أن فلاناً یهودی فی قبره مسح کلباً و فلاناً الرافضی انقلب حنریراً أو حکایات منامات. و أحوال هذا الجنس یغرس فی نفوس الصبیان النفرة عنه و المیل إلى ضده حتی ینزع الشک بالکلیة عن قلبه؛ فالتعلم فی الصغر کالتنشیح فی الحجر. ثم یقع نشوره علیه و لا یزال یؤكد ذلك فی نفسه فإذا بلغ استمر علی اعتقاده الجازم و تصدیقه المحکم الذی لا یخالجه فیہ ریب. و لذلك ترى أولاد النصارى و الرواقض و المحوس و المسلمین کلهم لا یبلغون إلا علی عقاید آبائهم و اعتقاداتهم فی الباطل و الحق حازمة لو قطعوا إرباً إرباً لما رجعوا عنها و هم قط لم یسمعوا علیه دلیلاً لا حقیقیاً و لا رسمياً. و کذا ترى العیبد و الإمام یشون من الشریک و لا یعرفون الإسلام فإذا وقعوا فی أسر المسلمین و صحبهم مدة و رأوا مبلهم إلى الإسلام مالوا معهم و اعتقدوا اعتقادهم و تخلقوا بأخلاقهم کل ذلك لمجرد التقليد و التشبیه بالتابعین. و الطیاع مجبولة علی التشبیه لا سبما طیاب الصبیان و أهل الشیاب. فیهذا یعرف أن التصدیق الجازم غیر موقوف علی البحث و تحریر الأدلة. (أبو حامد محمد بن محمد الغزالی، إلیحام العوام عن علم الکلام، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۶، ص ۱۱۵-۱۱۶).

وی در پایان بحث دشوار و طولانی خویش، نجات از عذاب و استحقاق پاداش عمل نیک را برای اکثریت قاصر غیرمسلمان به شرح زیر قائل می‌شود:

به نظر حکمای اسلام از قبیل بوعلی و صدرالمتألهین، اکثریت مردمی که به حقیقت اعتراف ندارند، قاصرند نه مقصر؛ چنین اشخاصی اگر خداشناس نباشند، معذب نخواهند بود - هر چند به بهشت هم نخواهند رفت - و اگر خداشناس باشند و به معاد اعتقاد داشته باشند و عملی خالص قربة الى الله انجام دهند، پاداش نیک عمل خویش را خواهند گرفت. تنها کسانی به شقاوت کشیده می‌شوند که مقصر باشند نه قاصر.<sup>۱</sup>

آن شهید پس از نوشتن عبارت بالا، در یک سخنرانی مربوط به اواخر عمر پربرکت خویش که بعداً تحت عنوان «حق و باطل» تنظیم و منتشر شده است، با تأکید فراوان و از صمیم قلب، مسیحیان و کشیشان مسیحی را متقی و مستحق بهشت دانسته و گفته است: شما اگر به همین مسیحیت تحریف‌شده نگاه کنید و بروید در دهات و شهرها، آیا هر کشیشی را که می‌بینید، آدم فاسد و کثیفی است؟ واللّه میان همین‌ها صدی هفتاد هشتادشان مردمی هستند با یک احساس ایمانی و تقوا و خلوص که به نام مسیح و مریم، چقدر راستی و تقوا و پاکی به مردم داده‌اند، تقصیری هم ندارند؛ آنها به بهشت می‌روند، کشیش آنها هم به بهشت می‌رود. پس حساب روحانیت حاکم فاسد مسیحی و پاپ‌ها را باید از اکثریت مبلغین و پیروان مسیح جدا کرد.<sup>۲</sup>

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ.<sup>۳</sup>

از مجموع آنچه گفته شد، دانستیم که:

۱. هر دینی خود را حق و ادیان دیگر را باطل می‌داند.
۲. هر دینی نجات را به پیروان خود اختصاص می‌دهد.
۳. پیروان ادیان باطل نیز به اعتقادات خود یقین پیدا می‌کنند.

۴. اکثریت پیروان ادیان باطل از فهم دین حق قاصر هستند.
۵. قصور پیروان ادیان باطل را نباید در احکام فقهی مؤثر دانست.
۶. اقلیتی غیرعوام و معاند در مقابل دین حق مقصر هستند.